

ارتقای تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی* موردپژوهی سه گونه فضای باز مسکونی در شهر تبریز

مینو قره بگلو^{۱*}، علیرضا عینی فر^۲، عباسعلی ایزدی^۳

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۲ استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۳ استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۳۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۴/۸)

چکیده

با توجه به غلبه استفاده از فضاهای باز جمعی بجای فضاهای باز خصوصی خانه‌های تک‌خانوار در شهرهای بزرگ ایران، هدف این پژوهش جست‌وجوی چارچوبی منعطف برای تبیین چگونگی تعامل کودک با مکان در محیط‌های مسکونی است. پرسش اساسی این است که برای «ارتقای تعامل کودک با مکان» در فضای باز مجتمع‌های مسکونی، با چه چارچوبی مولفه‌های محیط کالبدی (عینی) و محیط روانشناختی (ذهنی) در تعادل قرار می‌گیرند؟ برای پاسخ به این پرسش، با مرور سابقه موضوع رفتار تعاملی کودکان و پژوهش‌های مکان، مفاهیم و نظریه‌های مرتبط تحلیل شد. برای تدقیق چارچوب تحلیلی پیشنهادی، معیارها و شاخص‌های استخراج شده، با استفاده از روش تحقیق ترکیبی، در پنج مجتمع مسکونی منتخب شهر تبریز، در قالب سه گونه خطی، پراکنده و محیطی بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند تحلیل شدند. نتایج آزمون نشان داد که همبستگی میان مولفه‌های محیطی و مولفه‌های تعاملی در مکان‌های مطلوب دو گونه خطی و پراکنده، الگویی نسبتاً یکسان و در گونه محیطی الگویی متفاوت دارند. این همبستگی در مکان‌های نامطلوب همه گونه‌ها، تابع الگویی یکسان بود. در نتیجه، در فضای باز مجتمع‌های مسکونی، با برقراری تعادل میان مولفه‌های کالبدی و روانشناختی، تعامل کودکان با محیط زندگی روزمره بهبود یافته و به تبع آن بستر تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی ارتقا می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

مکان، کودک، تعامل، فضای باز، مجتمع‌های مسکونی.

* این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری معماری نگارنده اول تحت عنوان "ارتقا تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی"

است که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در بهمن ۱۳۹۱ در دانشگاه تهران دفاع گردیده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۴۴۱۱۹۴۰، نمابر: ۰۴۱۱-۵۳۳۹۲۰۰، E-mail: minoo.gharehbeiglu@gmail.com

مقدمه

مطالعاتی که در این باره انجام شده، مبتنی بر جنبه اجتماعی عدم حضور کودک در فضاهای مسکونی است و مطالعات اندکی در مورد نقش کودکان در تغییر شرایط درک فضا و محیط پیرامون صورت پذیرفته است (Blinkert, 2004, 100). این تحولات بحث تازه‌ای با عنوان «دوران کودکی مدرن» را در پی داشته است (Jones, 2002, 18). در سال‌های اخیر، جنبش‌هایی برای توجه به آسایش کودکان در محیط‌های زندگی روزمره شکل گرفته که منجر به پیدایش نظریه‌های متعددی برای جستجوی امکان‌سازگاری محیط زندگی روزمره برای حضور کودکان شده است (Chawl & Heft, 2002, 202). هرچند که بحث‌های زیادی در مورد مسئله قابل تامل کودک و شرایط سکونت جدید مطرح شده است، ولی به نظر می‌رسد که مسئله اصلی، انفضال و نگاهی جزءنگر به مفهوم دوران کودکی و شرایط سکونتی شهرنشینی جدید است. جستجوی چگونگی حضور کودک در محیط‌های مسکونی شهرهای معاصر، ریشه در نگاهی یکپارچه و کل‌نگر به محیط زندگی دارد. به این ترتیب نباید به پیوند دوباره کودک و محیط پیرامون، نگاهی آرمانی و دست‌نیافتنی داشت، بلکه باید به آن به‌منزله جریانی اجتماعی نگریست که براساس آن، حضور در محیط مسکونی، علاوه بر ایجاد حس مفید و موثر بودن در کودکان، به تعمیق آموخته‌های دوران مدرسه منجر شود.

در جوامع معاصر، خانه، مدرسه و فضاهای شهری برای آموزش اجتماعی شدن کودکان، واحدهای اجتماعی مهمی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه خانه و محیط مسکونی زمینه یا بستر مناسب رشد طبیعی کودکان را فراهم می‌کند، فضاهای باز مسکونی باید پاسخ‌گوی نیازهای فعالیت‌های کودکان با خواسته‌ها و سبک‌های متنوع زندگی باشند. کودکان برای اولین بار در فضاهای باز مسکونی فضای جمعی را تجربه می‌کنند و با گروه همسالان و بزرگسالان به تعاملات اجتماعی می‌پردازند. با این پیش‌فرض، تعاملات اجتماعی در فضای باز مجتمع‌های مسکونی، زمینه‌ای موثر و کارآمد در فراهم آوردن امکان بازی و فعالیت‌هایی در راستای رشد و شکل‌گیری شخصیت کودکان و افزایش توانایی‌ها و قابلیت‌های آنهاست. در سال‌های اخیر تغییر نگران‌کننده‌ای در عادات روزانه کودکان مشاهده می‌شود. کودکان در بازی و فعالیت‌های آزاد در فضاهای باز و فضاهای عمومی کمتر شرکت می‌کنند و اکثر اوقات خود را در خانه، کلاس‌های فوق برنامه و تحت نظارت مستقیم والدین سپری می‌کنند. در بسیاری از شهرها تداخل رفت و آمدهای سواره و پیاده و امنیت محیط، استفاده مستقل کودکان از محیط را دشوار می‌سازد. درباره حضور کم‌رنگ کودکان در محلات و فضاهای باز مسکونی، مطالعات متعددی صورت پذیرفته است (Prezza et al., 2005, 438)، ولی بیشتر

طرح موضوع

باز مجتمع مسکونی، برای ایجاد ارتباط عمیق توأم با حس تعلق و دلبستگی به محیط مورد کنکاش قرار دهد. برای محدود کردن تحقیق از سن و قشر اجتماعی به عنوان دو عامل مهم تعاملات محیطی در دوران کودکی استفاده شده است. انتخاب سنین مخاطبین بر مبنای زمان آموزش رسمی یعنی از سن ۶ سالگی (شروع تخیل و کنجکاوی) تا ۱۲ سالگی (دوران پر جنب و جوش نوجوانی) صورت گرفته است. در مباحث روانشناسی رشد، از این سنین به‌عنوان «دوران کودکی میانی» نام برده می‌شود. این دوران به‌عنوان سن «کودکان دبستانی» نیز شناخته می‌شود. در این سنین، کودکان در حال یادگیری و آموزش و کسب اطلاعات از محیط پیرامون خود هستند و آشکارا حس‌ها و علائق خود را به مکان و فعالیت‌های مرتبط با آن، ابراز می‌کنند. اگر چه جمعیت ایران نسبتاً از لحاظ فرهنگ، مذهب و ارزش‌ها همگون هستند ولی نگرش‌ها نسبت به کودکان در بین گروه‌های متفاوت درآمدی، حتی در یک شهر واحد نیز به طرز چشم‌گیری متفاوت است. این تحقیق به کودکان خانواده‌های قشر متوسط در شهر تبریز محدود شده است. علت این انتخاب این است که کودکان متعلق به اقشار پردرآمد، در مقایسه با کودکان متعلق به اقشار کم درآمدتر، وابستگی کمتری به محیط نزدیک به خانه دارند. امکان

از بُعد نظری، این تحقیق مجالی برای بازاندیشی و ارائه نظریه حس مکان در مطالعات کودکان در فضاهای باز مسکونی است. با مطالعه سابقه موضوع، در بحث حضور کودکان در محیط‌های مسکونی، عوامل متعددی چون تداخل رفت و آمد سواره و پیاده، مقیاس، تناسب فعالیت بدنی کودک با نحوه طراحی محیط و مشارکت در طراحی جزءنگر محیط مشاهده می‌شود که حکایت از کاستی نظری در نگاه جامع و مانع به مفهوم هویت مکان در حوزه مطالعات محیطی کودکان در فضاهای مسکونی است. از بُعد کاربردی، ضرورت این تحقیق به ضعف اقدامات صورت پذیرفته برای متناسب‌سازی محیط برای کودکان در ایران باز می‌گردد. بررسی اجمالی برنامه‌های متناسب‌سازی محیط برای کودکان، نشان می‌دهد که اغلب آنها، به دلیل شناخت محدود از سرشت در هم تنیده مسائل محیطی، با موضوع محیط متناسب کودکان برخوردی ابتدایی داشته‌اند. بنابراین، تغییر رویکرد این برنامه‌ها از مواجهه صوری با موضوع متناسب‌سازی، نظیر استفاده از رنگ‌های شاد یا استفاده از تصاویر کارتونی، به سمت رویکردی یکپارچه و کل‌نگر در فرآیند متناسب‌سازی محیط برای حضورپذیری کودکان، احساس می‌شود. این تغییر رویکرد، انجام پژوهشی را ایجاب می‌کند که در آن کاربردی‌ترین یکپارچه و کل‌نگر، تعامل کودک و مکان را در فضای

به موقعیت‌ها و علایقی بجز بازی نیز می‌شود. انجام فعالیت‌های مشترک هرچندکه مهم‌ترین مولفه الگوی دوستی نیست، ولی یکی از مهم‌ترین بخش‌های این الگو محسوب می‌شود (Doll, 1996, 171-172; Hartrup, 1991, 2-3).

● **تعهد:** هدف دوستی متقابل، ادامه‌تعالل در طول زمان است (Hartrup, 1991, 2-3). تعهد متقابل، ارتقای ارتباط و تعاملات بین دوستان را در پی دارد. این تعهد منجر به درک عمیق‌تر بر پایه تجارب شخصی شده و در نهایت به یکدلی و اعتماد بین کودکان ختم می‌شود (Doll, 1996, 171-172).

● **وفاداری:** هدف دوستی متقابل، حفظ علایق و منافع متقابل است (Hinde, 1976, 13).

درک متقابل: به واسطه آن هریک از طرفین در درک خاص طرف مقابل نقش ایفا می‌کنند (Hartrup, 1991, 2-3). تحقیقات حاکی از این است که بیش از ۳۰٪ کودکان سنین دبستان درک متقابل و وفاداری را به عنوان مشخصه‌های تعامل و دوستی بین خود عنوان کرده‌اند. حفظ و ارتقای صمیمیت بین دوستان از طریق حفظ اسرار و رازهای مشترک میسر می‌شود (Doll, 1996, 171-172).

● **برابری:** طرفین در ادامه‌تعالل و دوستی با قدرت برابر نقش ایفا می‌کنند (Hinde, 1976, 13). این بُعد از دوستی، نشان‌گر این است که چگونه دوستان قادرند، تعهد متقابل و انتظارات از یکدیگر را در حدی متعادل نگه دارند. این تعادل مانع از تبدیل ارتباط دوستان به شکل غالب - مغلوب می‌شود. امکان برقراری تعادل و برابری در تعامل و دوستی از طریق آزادی برای برقراری ارتباط و ابزار عقاید بدون ترس از دیگران میسر می‌شود (Doll, 1996, 171-172).

ب. تعامل کودکان با محیط. مطالعات انجام‌گرفته در مورد اولویت‌های محیطی کودکان به دو گروه «دوست‌داشتنی‌های کودکان در فضاهای کالبدی» و «چیزهایی که دوست ندارند یا باعث ترس آنها می‌شود»، تقسیم شده‌اند. هرچند که اغلب مطالعات بر جنبه‌های مثبت محیط‌های طراحی شده یا طبیعی تمرکز داشته‌اند، ولی برای درک تصویر کاملی از مکان مناسب برای کودکان، آگاهی از مکان‌هایی که کودکان دوست ندارند یا حتی از آنها می‌ترسند نیز حائز اهمیت است. این مکان‌ها نیز جزء واقعیت‌های دنیای کودکان هستند. اولین گروه پژوهش‌ها بر مکان‌هایی تمرکز دارند که بیشتر توسط کودکان استفاده می‌شوند یا مکان‌هایی که کودکان در مصاحبه‌ها به عنوان مکان جذاب ذکر می‌کنند. نتایج تحقیق حاکی از فهرستی از مکان‌های مطلوب برای کودکان است که شامل تنوع گسترده‌ای از ۵۲ گونه متفاوت از مکان‌ها است که برحسب اولویت طبقه‌بندی شده‌اند. برخی از آنها عبارتند از: مکان‌هایی پُر از فعالیت (Francis, 1987)؛ مکان‌هایی که در آنها تعامل با سایر کودکان و بزرگسالان امکان‌پذیر باشد (Muscovitch, 1980)؛ مکان‌هایی با تنوع و قابلیت فراوان (Zerner, 1977, 23)؛ مکان‌های دارای عناصر طبیعی و بکر (Alexander, 1967, 416-418; Francis, 1987; Hart, 1979)؛ مکان‌هایی ایمن، صمیمی، محصور و مخفی و حتی در برخی موارد مکان‌هایی هیجان‌انگیز و خطرناک (Zerner, 1977, 23-27).

استفادهٔ اقشار پردرآمد از امکانات تفریحی و اوقات فراغت خارج از مجموعه‌های مسکونی بیشتر است. محیط زندگی اقشار کم‌درآمد جامعه نیز به دلیل وضعیت فرهنگی و شرایط مکان‌های سکونتی آنها، معیارهای مورد نیاز این تحقیق را برآورده نمی‌کند.

برای فراهم‌آوری زمینهٔ ارتقای تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمعات مسکونی، بر اساس اهداف تحقیق، می‌توان پرسش‌های زیر را طرح کرد.

● چه مولفه‌های محیطی در فضای باز مجتمعات مسکونی، امکان ارتقای تعامل کودک با مکان را فراهم می‌آورند؟

● مولفه‌های محیطی در فضای باز مجتمعات مسکونی، چگونه و به چه میزان در ارتقاء تعامل کودک با مکان سهیم هستند؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، ساختار تحقیق با طرح دو فرضیه زیر آغاز می‌شود:

● مولفه‌های محیطی عینی (کالبدی) و ذهنی (غیرکالبدی) در فضای باز مجتمعات مسکونی، در کنار هم امکان ارتقای تعامل کودک با مکان را فراهم می‌آورند.

● مولفه‌های عینی (کالبدی) در فضای باز مجتمعات مسکونی نسبت به مولفه‌های ذهنی (غیرکالبدی) امکان ارتقای تعامل کودک با مکان را بیشتر فراهم می‌آورند.

پیشینه نظری موضوع

در پیشینهٔ نظری موضوع، مفاهیمی چون رفتار تعاملی کودکان، تعامل کودکان با محیط و طراحی فضای باز مجتمعات مسکونی قابل بررسی است. در مورد اول تمرکز مطالب بر رابطهٔ تعاملی کودکان و گروه‌های همسالان است، در حالی که مورد دوم تعامل کودکان با محیط زندگی روزمره را مورد نظر دارد. در مفهوم سوم، جدا از رفتار تعاملی بین فردی و تعامل کودک با محیط زندگی، چگونگی طراحی فضای باز مسکونی و عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن موضوع بحث است.

الف. رفتار تعاملی کودکان. با مرور منابع متعدد در رفتار تعاملی کودکان (Doll, 1996, 171-172; Hartrup, 1991, 2-3; Hinde, 1976, 13) که در چارچوب نظری تحقیق در مورد نحوهٔ عملیاتی‌کردن تعاریف برگرفته از رفتار تعاملی کودکان (جدول ۲) توضیح داده خواهد شد، دربارهٔ تعامل و دوستی کودکان، از یک دسته‌بندی شش‌عنصری استفاده شده است.

● **عاطفه و توجه متقابل:** اولین معیار تعامل و دوستی کودکان، عاطفه و توجه متقابل است که به واسطهٔ آن هر فرد مسئولیت خود را در قبال توجه به دوست خود از طریق نشان دادن مراقبت از وی آشکار می‌سازد (Hinde, 1976, 13).

● **علایق و فعالیت‌های مشترک:** سرمایه‌گذاری زمانی کودکان برای سرگرم شدن، یکدیگر را نشان می‌دهند. لازمه برقراری دوستی‌های دوران کودکی (بویژه اوایل دوران کودکی) راحتی برقراری ارتباط است. معمولاً کودکان از طریق بازی با یکدیگر دوست می‌شوند. ادامه ارتباط به بسط تعامل و دوستی

«خیابان برای زندگی» برای این پیش فرض استوار است که کوچه و خیابان به همه ساکنان تعلق دارد و به عنوان یک نهاد اجتماعی موجب ارتقای تعاملات و کارکردهای اجتماعی سازنده برای همه ساکنان خصوصاً کودکان می‌گردد. این تعاملات به حس تعلق به محیط، نگهداری و حفاظت از محیط و بروز الگوی ثابت بازی برای کودکان و تشویق فعالیت‌های اکتشافی کودکان منجر می‌شود (Pressman, 1987, 42; Abu-Ghazze, 1998, 800-803).

از دیگر مفاهیم مطرح در تعامل کودک با محیط، مشارکت کودکان در ساخت مکان است. در اسکال^۲ (۲۰۰۲، ۲۷)، معتقد است که کودکان باید در فرآیندهای توسعه محیط پیرامون دخالت داده شوند، زیرا کودکان از نزدیک با محیط پیرامون خود در تماس هستند و معمولاً در مورد چگونگی تاثیر تصمیمات مرتبط با محیط پیرامونشان آگاه‌ترند. وی معتقد بود مشارکت کودکان در توسعه اجتماع می‌تواند برای کودکان با آموختن مهارت‌های جدید و برای بزرگسالان با کسب درک بهتری از دیدگاه کودکان در مورد محیط محلی، مفید باشد. فهم نظر کودکان به عنوان ابزاری برای معنادادن به محیط متناسب و پذیرای کودک، از مفاهیم پیچیده و بغرنج زمان حال است. مشارکت کودکان می‌تواند از فرصت ساده برای توصیف واقعیت‌های زندگی، تا دخالت واقعی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی عملی، اشکال گوناگونی به خود بگیرد (Hefi Chawla &, 204, 2002).

در مطالعه‌ای که چاولا^۴ (۲۰۰۴) در پروژه «رشد در شهرها»^۵ با هدف نشان دادن چگونگی کاربرد و ادراک کودکان از محیط و نحوه تاثیرات محیط بر آنها و نیز از بین بردن دوگانگی‌ها و تفاوت‌های موجود در بین حرف و واقعیت در اهمیت درک احساسات و نگرش‌های کودکان در محیط انجام داد، با وجود تنوع فرهنگی و ابعاد بین قاره‌ای پژوهش به نتایج مندرج در نمودار ۱ رسید.

ج. طراحی فضای باز مجتمع‌های مسکونی. در دسته بندی عوامل اساسی مؤثر در طراحی کالبدی مجموعه‌های مسکونی، سه مقیاس عمده قابل تشخیص است (عینی فر، ۱۳۷۹، ۱۱۰):

نکته مشترک در همه مطالعات صورت پذیرفته این است که تفاوت‌های سنی در ارزیابی و کاربرد مکان‌ها در بین کودکان و نوجوانان، متناسب با افزایش سن تغییر می‌کند. در یک تحقیق که بر روی کودکان ۸ تا ۱۶ ساله در یک منطقه مسکونی برای آشنایی با رشد اولویت مکانی آنها انجام گرفت، این نتیجه حاصل شد که کودکان کم سن و سال تر مکان‌ها را بر اساس قابلیت‌ها انتخاب می‌کنند، در حالی که کودکان بزرگ‌تر تمایل داشتند مکان‌ها را به خاطر ویژگی‌های شناختی خود و یا خصوصیات زیباشناختی انتخاب کنند (Moore, 1986). در مطالعه‌ای دیگر در مورد خاطرات بزرگسالان درباره فضاهای مهم دوره کودکی، این نتیجه حاصل شد که تقریباً تمامی بزرگسالان محیط‌های بیرونی را که بدون وساطت بزرگسالان تجربه می‌کردند، به عنوان فضایی مطلوب ذکر کردند. در مطالعه‌ای دیگر، با چندین کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله مصاحبه شد و این‌گونه مشخص شد که مکان‌های آرام و خلوت برای تفکر، به اندازه برخی از جاذبه‌ها و قابلیت‌های آشکار، برای کودکان اهمیت دارد. این مطالعه همچنین بر این نکته تاکید داشت که چیزی که کودکان بیش از همه از آن بیزارند، توهین به نظراتشان در خصوص محیط است (Woolley et al., 1999, 292-295). ابزارهای استفاده شده در این مطالعه، نقشه‌نگاری شناختی، یادداشت برداری، مشاهده مستقیم و غیرمستقیم، کندوکاو محیطی و مهارت‌های مسیریابی است. ضعف اکثریت این روش‌ها نادیده گرفتن نگرش‌ها و احساسات کودکان است در حالی که احساسات، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های کودکان عامل تاثیرگذار بر رفتار آنها تلقی می‌شود (Patton, 2001).

از دیگر مفاهیم مطرح در تعامل کودک با محیط پیرامون، موضوع‌هایی چون مکان بازی آزاد است که از دو جنبه؛ طبیعت و ارزش آن در رشد شناختی و فیزیکی کودکان (Chawla, 2002) و تعادل بین نظم و بی‌نظمی (Bjorklid, 2004, 104-106; Blinkert, 1982) قابل بررسی است. همچنین با تفکر در خاطرات دوران کودکی، بی‌اختیار فضای کوچه‌ها و خیابان‌ها به عنوان فضای مطلوب بازی در اذهان همه متجسم می‌شود. واژه «وونرف»^۶ یا

ویژگی‌های مثبت اجتماعی	
+	++
-+	ویژگی‌های مثبت فیزیکی
ویژگی‌های منفی فیزیکی	محدوده‌های سبز تنوع مکان‌ها برای فعالیت آزادی حرکت امنیت فیزیکی
فقدان سرویس‌های خدماتی ترافیک سنگین محدوده‌های مجزا زباله‌های جمع‌آوری نشده فقدان زمینه برای فعالیت عدم وجود فضاهای دور هم جمع شدن	سرویس‌های خدماتی مناسب مکان ملاقات افراد هم سن و سال
ویژگی‌های منفی اجتماعی	+
--	+-
نگ و محرومیت اجتماعی کسالت و بی‌حوصلگی ترس از آزار و اذیت و جنایت تش قومی و نژادی احساس عدم قدرت سیاسی محیط نا امن اجتماعی	مکان ملاقات افراد هم سن و سال سرویس‌های خدماتی مناسب

نمودار ۱- شاخص‌های محیطی GUIC بر مبنای ارزیابی کودکان ۱۵-۱۰ ساله.

ماخذ: (Chawla, 2002)

از مهم‌ترین نکات طراحی مجموعه‌های مسکونی است که برای تأمین امنیت نقش مهمی را ایفا می‌کند. کنترل قلمرو، در اختیار گرفتن فضا از طریق تعریف محدوده‌ای خاص است. درحالی‌که قلمرو «خصوصی» مسکن معمولاً تعریف شده و کنترل شده است و نگهداری آن معمولاً مطلوب‌تر است، قلمرو «نیمه خصوصی» اغلب مبهم بوده و به شکل ضعیف‌تری کنترل و نگهداری می‌شود (عینی فر، ۱۳۷۹، ۱۱۴).

● **فعالیت‌ها:** فعالیت‌های جاری در فضاهای باز مسکونی در سه گروه فعالیت‌های لازم، انتخابی و اجتماعی قابل طبقه‌بندی هستند. مطالعات نشان داده‌اند که سطوحی از فعالیت‌های ضروری، کیفیت فضای کالبدی را نسبتاً ثابت نگه می‌دارند. اصلاحات در محیط به افزایش چشمگیر در سطوحی از فعالیت‌های انتخابی منتهی می‌شوند و این به نوبه خود به شواهدی از معاشرت بیشتر در بین افراد منتهی خواهد شد (Gehl, 2006, 5-6).

همچنین عناصر مرتبط با فضاهای باز مسکونی شامل مسیرهای پیاده و سواره، فضای سبز و فضاهای بازی کودکان؛ اصول و معیارهایی را برای تبیین بخشی از چارچوب نظری تحقیق فراهم آورد.

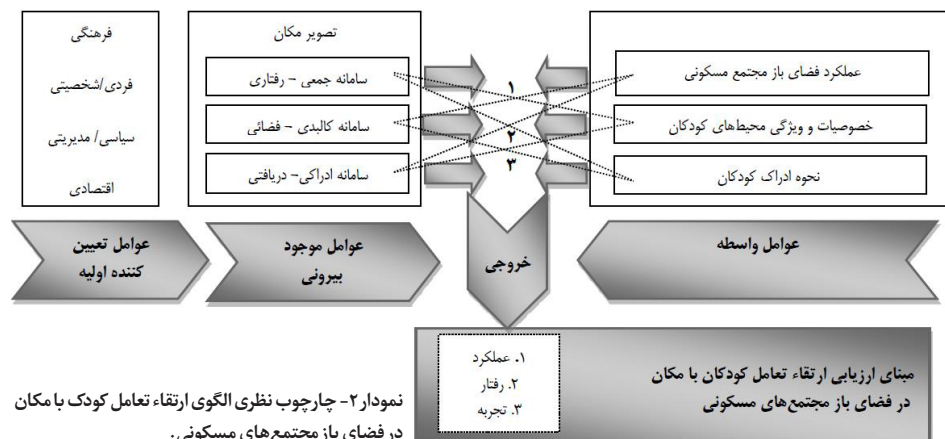
چارچوب نظری

تحلیل رابطه مفاهیم اساسی مطرح در محیط‌های کودکان و فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در مطالعات حوزه مکان و مفاهیم اساسی مطرح در رفتار تعاملی کودکان در مطالعات حوزه رفتار، به تدوین چارچوب نظری تحقیق منجر گردید. از مدل مکان دیوید کنتنر^۱ (۱۹۷۷)، که ترکیبی از سه سامانه جمعی - رفتاری، کالبدی - فضایی و ادراکی - دریافتی است، به عنوان تعریف مکان استفاده شد. همچنین با واکاوی مفاهیم کلیدی تحقیق در حوزه مطالعات مکان، سه متغیر عملکرد فضای باز مجتمع مسکونی، ویژگی‌های محیط‌های کودکان و نحوه ادراک کودکان قابل استنباط است. این سه متغیر در تناظر با سامانه پذیرفته شده برای مکان منجر به عملکرد، رفتار و تجارب کودکان - از مفاهیم اساسی برگرفته از ادبیات روانشناسی تعامل در حوزه مطالعات رفتار - می‌شود که مبنای ارزیابی ارتقاء تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی قرار گرفتند. نحوه ارتباط متغیرها در نمودار ۲ نشان داده شده است.

مقیاس اول پیوند بیرونی مجموعه‌های مسکونی با محیط‌های مجاور است. **مقیاس دوم** روابط درونی مجموعه‌ها و ارتباطات خارج از واحدهای مسکونی را شامل می‌شود. **مقیاس سوم** روابط و نسبت فضاهای درونی واحدهای مسکونی و هماهنگی آنها با فرهنگ و سنت سکونت ساکنین را مورد نظر قرار می‌دهد. از آنجایی که تأکید این پژوهش بر فضای باز مجتمع‌های مسکونی است، بنابراین **دومین مقیاس** یعنی «روابط درونی مجموعه‌ها و ارتباطات خارج از واحدهای مسکونی» مدنظر است. مسائل مورد نظر طراحی در این مقیاس شامل موارد زیر است:

● **خلوت و تعامل اجتماعی:** در طراحی مسکن، خلوت و تعامل اجتماعی، دو مفهوم متقابل هستند. تأکید بیش از اندازه بر خلوت می‌تواند موجب انزوا و تعامل خارج از کنترل می‌تواند موجب از دست رفتن خلوت زندگی خصوصی شود. مطالعه رابطه انسان و محیط نشان می‌دهد که احساس خلوت بیشتر با کنترل انسان بر محیط زندگی خصوصی و احساس اختیار در برخورداری متقابل اجتماعی به دست می‌آید. در مقیاس مجموعه‌ها، شیوه کنترل خلوت زندگی، فراهم آوردن سلسله‌مراتبی تعریف شده از فضاهای باز «عمومی»، «نیمه عمومی»، «نیمه خصوصی» و «خصوصی» است. این سلسله مراتب، مانع مزاحمت‌های ناخواسته می‌شود و فضاهای واسطه مابین واحدهای مسکونی و فضاهای مشترک دسترسی را تأمین می‌کند. هرچه امکان کنترل بیشتر برای ایجاد قلمرو خصوصی به ساکنین داده شود، احتمال دست یافتن به خلوتی بهینه بیشتر می‌شود (عینی فر، ۱۳۷۹، ۱۱۲).

● **امنیت:** ابعاد روان شناختی احساس امنیت در محیط‌های مسکونی باید در هر فرهنگی مطالعه و شناخته شوند. این جنبه‌ها تحت تأثیر شماری از عوامل از قبیل ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی ساکنین، میزان دسترسی فیزیکی برای مزاحمین بالقوه، تعریف و کنترل حریم و قلمرو مسکن، میزان مراقبت از مسیرهای دسترسی و دیگر مکان‌هایی که از طریق آنها امکان مزاحمت وجود دارد، می‌باشند. درحالی‌که بر نقش طراحی کالبدی در اصلاح مسائل اجتماعی نباید اغراق کرد، طراحی با همراهی مدیریت و مشارکت اجتماعی ساکنین مراقبت و حفظ امنیت محیط‌های مسکونی را با موفقیت بیشتری همراه می‌کند (عینی فر، ۱۳۷۹، ۱۱۳). تعریف حریم و قلمرو یکی



معیار استخراج شد که از تعاریف ارائه شده در پیشینه تحقیق برای این معیارها، پنج شاخص خردتر استخراج شد. سپس بر مبنای این شاخص‌ها که در پیشینه تحقیق به تعامل کودک - کودک اشاره داشت، سیاست‌هایی در جهت تبدیل این شاخص‌ها به تعامل کودک - محیط از طریق واکاوی پیشینه موضوع و نیز تفسیر و بسط نگارنده از موضوع، مطابق جدول ۲ وضع گردید.

برای محدود کردن تحقیق، شش مولفه زیر به عنوان فاکتورهای مداخله‌گر شناسایی شدند که در روند انتخاب نمونه‌ها و انتخاب جمعیت مشارکت‌کننده و زمان انجام تحقیق برای کنترل این مولفه‌ها تلاش شد:

- خصوصیات اقلیمی: با انتخاب فصل تابستان به عنوان زمان انجام تحقیق؛
- خصوصیات فرهنگی: با انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه از مناطق سکونت قشر متوسط جامعه؛
- خصوصیات فردی: با انتخاب گروه سنی کودکی میانی که به صورت عام از جنبه خصوصیات رشدی، شناختی، اجتماعی و روانشناختی پیرو یک الگو بودند؛

- خصوصیات اقتصادی، سیاسی و مدیریتی: با انتخاب سایت‌های مورد مطالعه از مناطق سکونت قشر متوسط جامعه؛
- گذشت زمان و مدت اقامت: با انتخاب جمعیت مشارکت‌کننده که به اذعان خودشان قریب به سه سال در محل سکونت داشته‌اند.

روش تحقیق

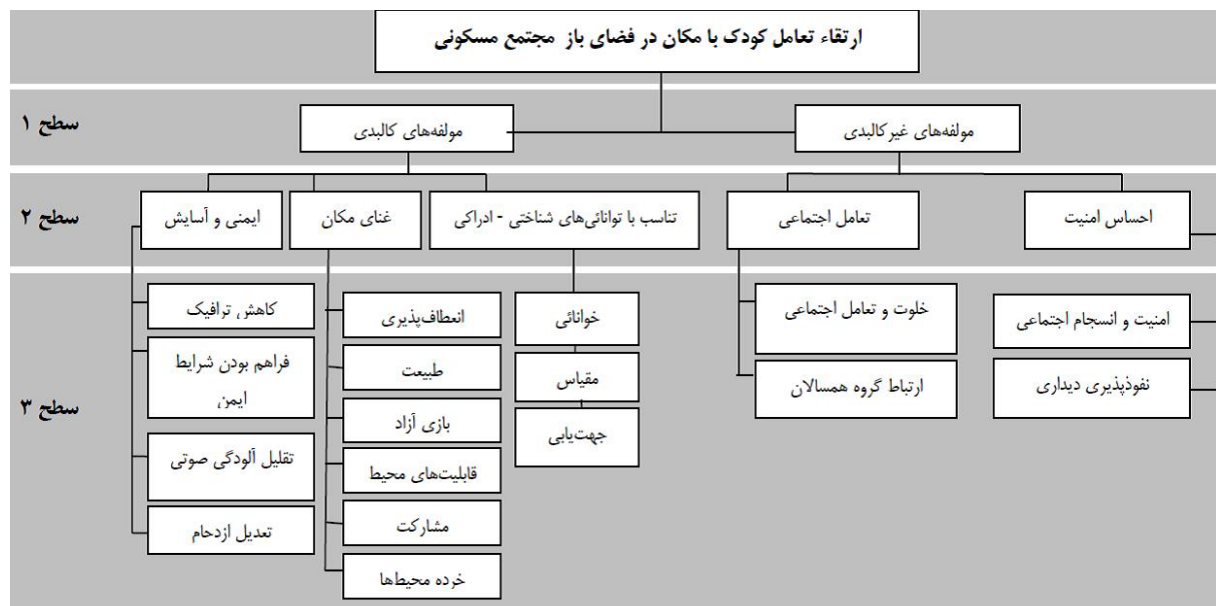
انتخاب رویکرد ترکیبی کمی-کیفی، فرصت‌هایی را برای درک عمیق تر رفتار کودکان در مکان زندگی روزمره فراهم می‌کند. چارچوب نظری پژوهش با رویکردی کیفی و با هدف جستجوی مولفه‌های موثر در ارتقای تعامل کودک با مکان در پژوهش‌های گذشته و پیشینه موضوع تدوین شده است. پاسخ‌گویی به این سوال پژوهش که

بر اساس هدف تحقیق و جهت پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق، تاثیر مولفه‌های محیطی به عنوان متغیرهای مستقل و رفتار تعاملی کودکان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. در بررسی تطبیقی مفاهیم اساسی مکان در سه گروه فضاهای باز مجتمع مسکونی، محیط‌های کودکان و هویت مکان، دو دسته عوامل کالبدی و غیرکالبدی و هفت معیار مطابق جدول ۱ استخراج گردید.

در گام اول بر مبنای پیشینه موضوع، معیارها به اجزای خردتر تقسیم شدند. سپس برای هدایت پژوهش به سمت مفاهیم قابل سنجش و اندازه‌گیری معیارها از کل به جزء سطح‌بندی شدند (نمودار ۳). لازم به ذکر است که در جریان خرد کردن مولفه‌های محیطی، دو مولفه غیرکالبدی زمان و تناسب با فضای فرهنگی جامعه، بعنوان متغیر مداخله‌گر شناسایی و کنترل شد. سپس بر اساس تعاریف ارائه شده در پیشینه تحقیق برای این معیارها و تفسیر و بسط موضوع، سنججه‌های قابل اندازه‌گیری هریک از مفاهیم بدست آمده و به عنوان متغیر مستقل تعیین شدند. از بررسی و واکاوی ادبیات نحوه تعامل در کودکان، شش

جدول ۱- مولفه‌های محیطی تاثیرگذار در بررسی تطبیقی پیشینه مفهوم مکان.

مولفه‌های محیطی تاثیرگذار در بررسی ادبیات معیار	فضای باز مجتمع مسکونی	محیط‌های کودکان	هویت مکان
مولفه‌های غیرکالبدی	*	*	*
فرصت تعامل اجتماعی	*	*	*
تناسب با فضای فرهنگی جامعه	*	*	*
زمان	*	*	*
احساس امنیت	*	*	*
مولفه‌های کالبدی	*	*	*
ایمنی و آسایش	*	*	*
غناي مکان	*	*	*
تناسب با توانایی‌های شناختی و ادراکی کودکان	*	*	*



نمودار ۳- سطح‌بندی شاخص‌های محیطی تاثیرگذار.

برای انتخاب تدابیر تحقیق و دست یافتن به تحلیلی کل نگر و عینی/ذهنی، از راهکار تحلیل مکان پیشنهادی کنتر (۱۹۷۷) شامل سه دسته متغیر کالبدی، فعالیت‌ها و معانی نقش بسته در ذهن کاربران، استفاده شد. جدول ۳، به ارائه تدابیر پیشنهادی برای انجام پژوهش می‌پردازد (همچنین نگاه کنید به عینی‌فر، ایزدی و قره‌بگلو، ۱۳۹۱، ۸۹-۹۷).

مورد پژوهی

برای انتخاب نمونه‌های مجتمع‌های مسکونی، در مرحله اول اطلاعات مجتمع‌های مسکونی در ۱۰ منطقه شهر تبریز که دو معیار «در حال بهره‌برداری بودن» و «منفک بودن محدوده مجتمع مسکونی از محیط شهری اطراف» را داشتند، جمع‌آوری شد. سپس بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌های مورد نظر انتخاب شدند (جدول ۴).

«مولفه‌های مطرح به چه میزان و چگونه در ارتقای تعامل با مکان سهیم هستند؟» از تبدیل داده‌های کیفی به کمی استفاده شده است. طبق نظر کرسول^۷ (۲۰۰۹)، یکی از راه‌کارهای موثر برای شناخت يك اجتماع محلی، زندگی و گفت‌وگو با ساکنان است. بنابراین در این تحقیق از راهبردی که در پژوهش‌های اجتماعی و محیطی با نام «مردم نگاری»^۸ شناخته می‌شود، استفاده شده است. در این روش، تحقیق با گزاره‌های کلی آغاز و از طریق جستجوی نامحدود و آشنایی عمیق با محیط، نظریه‌هایی جدید ایجاد می‌شوند که گزاره‌های اولیه را بازنمایی نموده و بسط می‌دهند. در پژوهش مردم‌نگاری، دانش، عقاید، سازمان اجتماعی، نحوه فعالیت در محیط کالبدی گروه مورد مطالعه، تا حصول به فهم کل نگر از موضوع، در ارتباط با هم مطالعه می‌شوند. ویژگی‌هایی چون نگاه کل نگر به جزئیات محیط، اتکا به داده‌های سازمان‌دهی نشده، تمرکز بر تعداد اندکی نمونه موردی و تحلیل مبتنی بر اهمیت معانی و کارکردهای اعمال انسان (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۱۸۲-۱۸۴)، تحقیق مردم‌نگاری را برای این پژوهش مناسب می‌سازد.

جدول ۲- معیارها، شاخص‌ها و سنجش‌های رفتار تعاملی به عنوان متغیر وابسته تحقیق.

معیار	شاخص‌ها	سنجش‌های رفتار تعاملی
رفتار تعاملی کودکان	عاطفه و توجه متقابل	مسئولیت مراقبت
		وفاداری
علائق و فعالیت‌های مشترک	سرمايه‌گذاري زمانی	حجم مراجعات (نفر در دقیقه)
		مدت توقف (ساعت)
تعهد	ادامه ارتباط با گذشت زمان	تکرار استفاده در طی زمان (میانگین در هفته)
درک متقابل	حفظ اسرار و رازهای مشترک	وجود قلمروهای مخفی
برابری	امکان ابراز خود جهت ممانعت از تبدیل ارتباط به حالت غالب-مغلوب	شخصی‌سازی فضا به عنوان قلمرو
		جداکردن محدوده فعالیت‌ها با عناصر فیزیکی
		ایجاد تغییرات در محیط
		مسئولیت نگهداری عرصه‌های خصوصی

جدول ۳- تدابیر پیشنهادی سنجش تعامل کودکان با مکان.

روش مکان	روش شناخت مکان کانتر	روش پیشنهادی سنجش تعامل کودکان با مکان
سامانه جمعی- رفتاری	نقشه رفتاری	خود سنجی (از طریق کودک)
سامانه دریافتی- ادراکی	توصیف‌ها	غیر خود سنجی (از طریق محقق)
سامانه کالبدی- فضائی	عکس و ترسیم کروکی	نقشه رفتاری/مشاهده
		مصاحبه سازمان‌دهی شده
		مشاهده، نقشه، عکس، کروکی

جدول ۴- روند انتخاب مجموعه‌ها بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند.

هدف	انتخاب مناطق	شناخت دامنه موضوع از نظر طبقات	شناخت دامنه موضوع از نظر گونه	مجتمع مسکونی حائز شرایط	انتخاب مجتمع‌های مسکونی
معیار	مناطق متوسط شهر با بیشترین تعداد مجتمع مسکونی	بررسی فراوانی مجتمع‌ها از نظر تعداد طبقات که مجتمع‌های زیر ۶ طبقه دارای بیشترین فراوانی بودند.	گونه‌شناسی بر اساس شکل فضای باز در این مناطق	انتخاب مجتمع‌هایی با نسبت فضای باز به بسته بیش از ۶۰٪ و بیشترین تعداد خانوار	انتخاب مجتمع‌هایی با کیفیت از لحاظ طراحی فضای باز (متناسب با نحوه پراکندگی در هر منطقه و در هر گونه) و بیشترین تعداد خانوار ساکن
ابزار	اطلاعات میدانی	مشاهده میدانی	مشاهده میدانی Google earth	اطلاعات جدول مشخصات مجتمع‌ها	مشاهده میدانی
نتیجه	انتخاب منطقه ۱، ۲، ۳ و ۵	جدول مشخصات مجتمع‌ها	جدول گونه‌شناسی متشکل از ۴ گونه: خطی ^۱ ، محیطی ^۲ ، پراکنده ^۳ و متمرکز ^۴	استخراج مجتمع‌های مسکونی دارای شرایط: گونه خطی، محیطی و پراکنده. گونه متمرکز حائز شرایط نشد.	استخراج نام پنج مجتمع مسکونی منتخب که در گونه خطی تعداد مجتمع‌ها تقریباً سه برابر دو گونه محیطی و پراکنده بود.

مصاحبه، طیفی از متغیرهای مستقل و وابسته را پوشش داد. انجام مصاحبه هم‌زمان سه هدف شناخت مکان‌های مطلوب و نامطلوب از دیدگاه کودکان، رتبه‌بندی متغیرهای مستقل و شناخت و رتبه‌بندی سه متغیر وابسته را ممکن ساخت. **نقشه رفتاری**، اندازه‌گیری مقادیر کمی دو متغیر وابسته تحقیق را هدف قرار داده است. در این قسمت هر یک از مکان‌های مطرح در مرحله اول مصاحبه‌ها، از نظر متغیرهای وابسته با نقشه رفتاری مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت از طریق ایجاد ارتباط میان مکان‌های منتخب کودکان با متغیرهای مستقل، به بررسی میزان تعامل کودکان در مکان‌های مطلوب و نامطلوب پرداخته شد. در جدول ۶، روند تحلیل داده‌ها به اختصار بیان شده است. مقایسه تطبیقی و تحلیلی یافته‌های حاصل از سه رویه فوق در دو مرحله شامل بررسی کمی یافته‌های حاصل از مصاحبه با نقشه رفتاری با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون^{۱۵} و تحلیل کیفی آمار کمی حاصل از پیمایش و مشاهدات محقق با استفاده از استدلال منطقی، انجام شد.

یافته‌های تحقیق

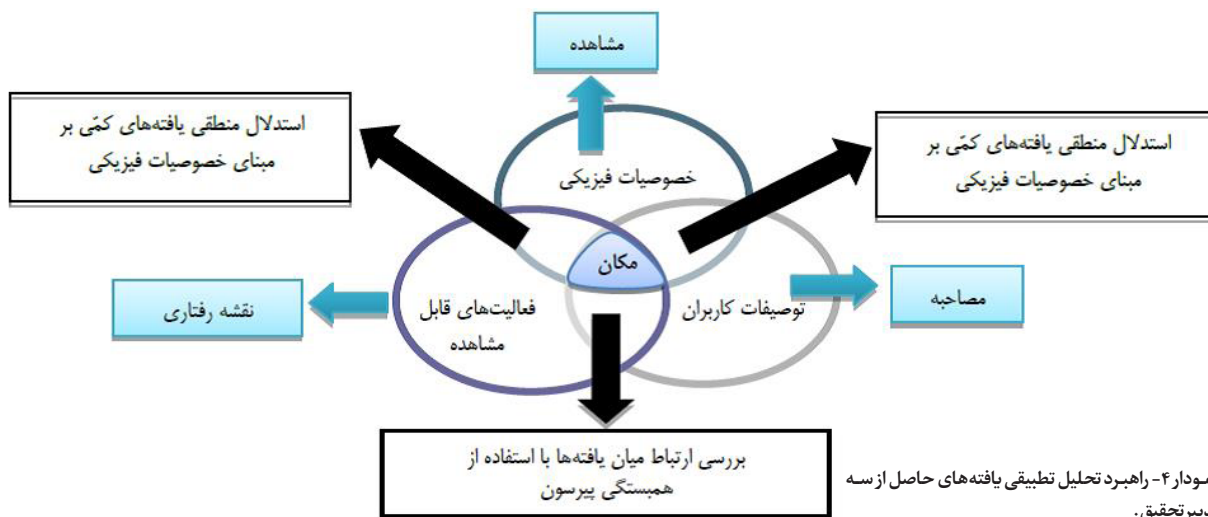
بر مبنای راهبرد تحلیل تطبیقی یافته‌ها، برای تحلیل گونه‌ها، به تحلیل کمی یافته‌های حاصل از مصاحبه با نقشه رفتاری، با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون پرداخته شده و سپس تحلیل کیفی آمار کمی بر مبنای مشاهده در مکان‌های مطلوب مجتمع‌های منتخب مد نظر قرار گرفته است (جدول ۷). نتایج حاصل از ارتباط یافته‌های نظری و تجربی تحقیق در مکان‌های مطلوب (جدول ۷) حاکی از الگویی به نسبت یکسان در همبستگی (مثبت و قوی) سطح اول و دوم مولفه‌های محیطی با مولفه‌های تعاملی در مکان‌های مطلوب دو گونه خطی و پراکنده است. این الگو در سطح اول و دوم مکان‌های مطلوب گونه محیطی، شکلی متفاوت دارد. بدین معنا که در مکان‌های مطلوب دو گونه خطی و پراکنده، مولفه‌های گیرکالبدی نسبت به مولفه‌های کالبدی همبستگی (مثبت

پس از انتخاب مجتمع‌های مسکونی براساس نمونه‌گیری هدفمند، با اطلاع از تعداد خانوارهای ساکن و به دلیل عدم آگاهی از تعداد دقیق افراد گروه سنی مورد مطالعه، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده^{۱۶}، به دلیل ماهیت کیفی تحقیق و حداکثر خطای مورد قبول ۰/۱ با فاصله اطمینان ۹۰٪ اقدام به استخراج جمعیت مشارکت‌کننده گردید (جدول ۵).

مطابق چارچوب نظری پیشنهادی، برای تحلیل یافته‌ها و شناخت مکان‌های مدنظر کودکان، از مدل مکان دیوید کنتنر (۱۹۷۷) استفاده شد (جدول ۳) ولی جهت تحلیل تطبیقی یافته‌های حاصل از سه تدبیر متفاوت که تحت عنوان مثلث بندی^{۱۷} داده‌ها جهت افزایش اعتبار درونی پژوهش کیفی می باشد (Stake, 1980)، مطابق نمودار ۴ عمل گردید. همچنین جهت افزایش اعتبار درونی پژوهش با روش مثلث بندی داده‌ها، نتایج حاصل از تدبیر سه‌گانه تحقیق، حداقل با دو تدبیر دیگر تحقیق به طور متقاطع کنترل شدند و اطلاعاتی که از جانب حداقل دو تدبیر تحقیق اثبات نشدند، مورد استفاده قرار نگرفت. هدف از **مشاهده**، آشنایی با محیط مجموعه‌های مسکونی و تدقیق متغیرهای مستقل تحقیق است. در این مرحله، با عکاسی، تهیه کروکی و علامت‌گذاری روی نقشه از موقعیت‌های متفاوت، شناسایی اولیه از مکان‌ها در مجتمع‌های منتخب انجام شد. هدف از **مصاحبه**، شناخت و تحلیل معنای مکان‌های مورد نظر کودکان است. پاسخ به پرسش‌های

جدول ۵- جمعیت مشارکت‌کننده در تحقیق در مجتمع‌های منتخب.

نام منطقه	گونه مسکونی	نام مجتمع مسکونی	درصد فضای باز	تعداد خانوار	جمعیت مشارکت‌کننده
۱	خطی	فرهنگ شهر	٪۷۳	۴۹۶	۴۰
۵		صائب	٪۶۰	۲۴۴	۴۰
۳		امیرکبیر	٪۶۹	۱۶۰	۳۰
۲	محیطی	شهید تجلیبی	٪۸۵	۴۴۴	۴۰
۱	پراکنده	آب منطقه‌ای	٪۷۰	۸۰	۳۰
جمع					۱۸۰



و قوی) بیشتری با مولفه‌های تعاملی دارند. دلیل این امر این است که در این دو گونه (خطی و پراکنده) فضای مابین بلوک‌ها فضایی کسل‌کننده و یکنواخت که قابلیت جهت‌اجتماع‌پذیری کودکان را دارا نیست. همچنین لبه اتصال بلوک‌ها با محیط بیرونی، خلوت و دور از نظارت است که قابلیت ایجاد ناامنی را دارا است. بنابراین در این دوگونه (خطی و پراکنده)، گروه سنی مورد پیمایش به مسائل غیرکالبدی (ذهنی) نظیر آسایش روانی، حس امنیت و امکان برقرای تعاملات اجتماعی با گروه همسالان اهمیت زیادی می‌دادند و کودکان بیشتر وقت و انرژی خود را در مکان‌هایی که در تناسب با خواست و نیاز روانی آنها است، سپری می‌کردند. به عبارت دیگر در این دو گونه (خطی و پراکنده)، با بهبود شاخص‌های متغیرهای غیرکالبدی، تامین‌کننده نیازهای روانی کودکان نظیر احساس امنیت و برقراری تعاملات اجتماعی، مولفه‌های تعاملی بهبود می‌یابند. این افزایش به معنای ارتقای تعامل کودکان با مکان است.

در مکان‌های مطلوب گونه محیطی، مولفه‌های کالبدی

همبستگی (مثبت و قوی) بیشتری با مولفه‌های تعاملی دارند. به عبارت دیگر، در گونه محیطی مولفه‌های کالبدی نظیر قابلیت‌های متعدد مکان و حضور طبیعت تعامل را افزایش می‌دهند. شاید دلیل این باشد که در گونه محیطی به دلیل در معرض دید بودن، خوانایی، در دسترس بودن فضای باز حیاط مرکزی و ایجاد فضاهای خلوت و متروکه کمتر، در انتخاب مکان‌های مطلوب تاثیر مولفه‌های غیرکالبدی نظیر امنیت به حداقل می‌رسد. به عبارت دیگر در گونه محیطی به دلیل ارضای خواست‌ها و نیازهای روانی کودکان (نظیر حس امنیت و امکان برقرای تعاملات اجتماعی با گروه همسالان) در مرحله اول، مسائل کالبدی در اولویت انتخاب کودکان قرار می‌گیرند. به بیان دیگر با بهبود سطح شاخص‌های متغیرهای کالبدی در مولفه‌های تعاملی افزایش مشاهده می‌شود. این افزایش می‌تواند منجر به ارتقای تعامل کودکان با مکان شود. همچنین نتایج حاصل از جدول ۷ حاکی از این است که فارغ از شکل پلان؛ در سطح دوم مکان‌های مطلوب همه گونه‌ها،

جدول ۶- راهبرد تحلیل داده‌ها در روند موردپژوهی.

متغیر	معیار	شاخصه‌ها	تدابیر تحقیق و ماهیت اطلاعات	استراتژی تحلیل داده‌ها
مستقل	ایمنی و آسایش	ترافیک فراهم بودن شرایط ایمن تقلیل آلودگی صوتی تناسب با شرایط اقلیمی تعدیل ازدحام	مشاهده: شناخت موقعیت و خصوصیات کالبدی مکان‌ها از دیدگاه محقق	مشاهده: طبقه‌بندی بر مبنای متغیرهای مستقل چارچوب نظری
	غناى مکان	طبیعت انعطاف‌پذیری امکان بازی قابلیت‌های محیط خرده محیط‌ها		
	تناسب با توانایی‌های شناختی و ادراکی	خوانایی مقیاس جهت‌یابی		
	امنیت	نفوذپذیری دیداری امنیت و انسجام اجتماعی		
	تعامل اجتماعی	خلوت و تعامل اجتماعی گروه همسالان		
	وابسته	عاطفه و توجه متقابل وفاداری		
علايق و فعاليت‌های مشترک		سرمایه‌گذاری زمانی		
تعهد		ادامه ارتباط با گذشت زمان		
درک متقابل		حفظ اسرار و رازهای مشترک		
برابری	ممانعت از تبدیل ارتباط به حالت غالب - مغلوب	امکان ابراز خود جهت ممانعت از تبدیل ارتباط به حالت غالب - مغلوب	۲. رتبه‌بندی متغیر وابسته از نقطه نظر کودکان در ذیل مکان‌های منتخب	۱. دلایل مطرح در پاسخ‌های کودکان بر مبنای متغیر وابسته ۲. تعداد ارجاع کودکان به مکان‌ها در پاسخ مصاحبه‌ها براساس سه متغیر وابسته

مطلوب همه گونه‌ها، متغیرهای وابسته «حفظ اسرار و رازهای مشترک» و «امکان ابراز خود» همبستگی (مثبت و قوی) بیشتری با متغیر مستقل «امنیت» دارند. بدین معنا که در مکان‌هایی در معرض دید و به دور از گوشه‌های پنهان و خلوت، رفتارهای قلمروپایی کودکان و امکان ایجاد تغییر در محیط که از شاخصه‌های این دو متغیر وابسته هستند، بیشتر مشاهده می‌گردد.

متغیرهای وابسته «سرمایه‌گذاری زمانی» و «تکرار استفاده در طی زمان» همبستگی (مثبت و قوی) بیشتری با متغیر مستقل «تعامل اجتماعی» دارند. بدین معنا که در مکان‌هایی که امکان برقراری تعاملات اجتماعی و ارتباط با گروه همسالان بیشتر فراهم است، کودکان بیشترین صرف زمان در آن مکان و استفاده از آن مکان را داشتند. همچنین فارغ از شکل پلان؛ در سطح دوم مکان‌های

جدول ۷- تعیین سلسله‌مراتب میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، مکان‌های مطلوب.

گونه	مسئولیت مراقبت		سرمایه‌گذاری زمانی		تکرار استفاده در طی زمان		
	سطح اول	سطح دوم	سطح اول	سطح دوم	سطح اول	سطح دوم	
خطی	۱- غیرکالبدی	۱- تناسب	۱- غیرکالبدی	۱- تعامل	۱- غیرکالبدی	۱- تعامل	
		با توانائی شناختی- ادراکی	۰,۶۷۹	اجتماعی		۰,۶۲۷	
		۰,۶۰۶	۰,۸۱۷	۰,۵۹۱			
	۲- کالبدی	۲- امنیت	۰,۶۲۱	۲- امنیت	۰,۵۹۹	۲- امنیت	۰,۶۱۳
		۰,۶۰۸	۰,۷۴۸	۰,۶۰۱	۰,۷۶۵		
	۳- تعامل اجتماعی	۳- تعامل اجتماعی	۰,۶۱۵	۳- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۰,۵۸۶	۳- ایمنی و آسایش	۰,۶۸۱
		۰,۶۰۲	۰,۵۹۷	۰,۶۷۷	۰,۵۸۶	۰,۵۹۸	
۰,۶۳۷		۰,۵۲۴	۰,۵۲۴	۰,۵۲۴	۰,۵۵۳		
۴- غنای مکان		۰,۵۹۹	۴- غنای مکان	۰,۵۴۳	۴- غنای مکان	۰,۵۵۲	
۰,۶۰۱		۰,۵۷۴	۰,۶۰۸	۰,۵۴۳	۰,۵۵۲		
۵- ایمنی و آسایش	۰,۵۵۱	۵- ایمنی و آسایش	۰,۵۰۹	۵- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۰,۵۳۹		
۰,۵۱۹	۰,۵۱۲	۰,۵۱۲	۰,۵۱۲	۰,۵۱۲	۰,۵۱۲		
۰,۵۸۸	۰,۵۱۸	۰,۵۱۸	۰,۵۱۸	۰,۵۱۸	۰,۵۱۸		
محیطی	۱- کالبدی	۱- غنای مکان	۱- کالبدی	۱- تعامل اجتماعی	۱- کالبدی	۱- تعامل اجتماعی	
		۰,۷۰۵	۰,۶۴۹	۰,۶۴۹		۰,۶۴۹	
	۲- تعامل اجتماعی	۲- تعامل اجتماعی	۲- غنای مکان	۲- غیرکالبدی	۲- امنیت	۲- غیرکالبدی	۲- امنیت
	۰,۶۱۹	۰,۶۱۹	۰,۶۱۹	۰,۵۲۸	۰,۵۲۸		
	۰,۶۳۵	۰,۵۶۵	۰,۵۶۵	۰,۵۱۹	۰,۵۱۹		
۲- غیرکالبدی	۳- ایمنی و آسایش	۳- ایمنی و آسایش	۳- ایمنی و آسایش	۳- ایمنی و آسایش	۲- غیرکالبدی	۳- ایمنی و آسایش	
	۰,۵۵۶	۰,۵۶۵	۰,۵۶۵	۰,۵۶۵			
	۵- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۵- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۵- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۵- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی			
پراکنده	۱- غیرکالبدی	۱- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۱- غیرکالبدی	۱- تعامل اجتماعی	۱- غیرکالبدی	۱- تعامل اجتماعی	
		۰,۷۲۴	۰,۶۸۲	۰,۶۸۲		۰,۶۸۲	
	۲- امنیت	۲- امنیت	۲- امنیت	۲- امنیت	۲- امنیت	۲- کالبدی	۲- امنیت
	۰,۶۰۸	۰,۶۲۸	۰,۶۲۸	۰,۶۲۸			
	۳- تعامل اجتماعی	۳- تعامل اجتماعی	۳- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۳- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	۳- ایمنی و آسایش		
۲- کالبدی	۴- غنای مکان	۲- کالبدی	۴- غنای مکان	۴- غنای مکان	۲- کالبدی	۴- غنای مکان	
	۰,۵۵۷	۰,۵۹۷	۰,۵۹۷	۰,۵۹۷			
	۵- ایمنی و آسایش	۵- ایمنی و آسایش	۵- ایمنی و آسایش	۵- ایمنی و آسایش		۵- تناسب با توانائی شناختی- ادراکی	
۰,۵۳۴	۰,۵۷۸	۰,۵۷۸	۰,۵۷۸	۰,۵۶۶			

همبستگی این است که مولفه‌های غیرکالبدی همبستگی معکوس (منفی و قوی) بیشتری با مولفه‌های تعاملی دارند و با بهبود سطح شاخص‌های مولفه‌های غیرکالبدی نظیر امنیت و تعامل اجتماعی در مکان‌ها، از نامطلوب بودن آنها کاسته می‌شود. به عبارت دیگر با بهبود شاخص‌هایی چون تعاملات اجتماعی در فضا، نفوذپذیری دیداری و حذف گوشه‌های پنهان،

در مرحله دوم، به تحلیل کیفی آمار کمی بر مبنای مشاهدات محقق در مکان‌های نامطلوب مجتمع‌های منتخب پرداخته شده است (جدول ۸). نتایج حاصل از ارتباط یافته‌های نظری و تجربی تحقیق در مکان‌های نامطلوب گونه‌های منتخب (جدول ۸)، حاکی از الگویی یکسان در مطالعه همبستگی متغیرهای سطح اول و دوم با مولفه‌های تعاملی است. معنی این نوع

حفظ اسرار و رازهای مشترک		امکان ابراز خود			
سطح اول	r	سطح دوم	R	سطح اول	r
۱- غیرکالبدی	۰,۵۹۳	۱- امنیت	۰,۶۳۲	۱- غیرکالبدی	۰,۶۲۲
	۰,۶۱۱		۰,۶۲۸		۰,۶۲۱
	۰,۷۰۲		۰,۸۳۹		۰,۸۰۱
		۲- تعامل اجتماعی	۰,۶۰۹		۰,۶۳۱
			۰,۶۱۱		۰,۶۱۰
			۰,۷۵۹		۰,۷۶۵
۲- کالبدی		۳- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	۰,۵۹۶	۲- کالبدی	۰,۶۱۱
			۰,۶۰۱		۰,۶۰۱
			۰,۶۵۹		۰,۷۱۶
		۴- ایمنی و آسایش	۰,۵۳۹		۰,۵۷۷
			۰,۵۹۷		۰,۵۵۱
			۰,۶۱۹		۰,۷۰۴
		۵- غنای مکان	۰,۵۰۳		۰,۵۰۴
			۰,۵۶۸		۰,۵۲۳
			۰,۵۹۷		۰,۶۱۸
۱- کالبدی	۰,۶۳۸	۱- امنیت	۰,۶۷۱	۱- کالبدی	۰,۶۹۴
		۲- غنای مکان	۰,۶۴۳		۰,۶۵۹
		۳- ایمنی و آسایش	۰,۵۹۷		۰,۶۲۲
۲- غیرکالبدی	۰,۵۸۳	۴- تعامل اجتماعی	۰,۵۳۵	۲- غیرکالبدی	۰,۶۱۱
		۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	۰,۵۲۱		۰,۵۵۹
۱- غیرکالبدی	۰,۶۶۶	۱- امنیت	۰,۷۰۷	۱- غیرکالبدی	۰,۷۹۲
		۲- تعامل اجتماعی	۰,۶۸۸		۰,۷۱۹
		۳- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	۰,۶۷۵		۰,۶۴۳
۲- کالبدی	۰,۵۸۵	۴- غنای مکان	۰,۶۵۵	۲- کالبدی	۰,۶۰۱
		۵- ایمنی و آسایش	۰,۶۰۲		۰,۵۹۵

همبستگی معکوس (منفی و قوی) بیشتری با مولفه‌های تعاملی دارا هستند. بدین معنای با فراهم آمدن بستر اجتماع پذیری در مکان‌ها، تعامل کودکان با مکان ارتقا می‌یابد.

سیاست‌های تحلیل‌گر (شاخص‌های سطح سوم) که در نمودار ۳ تشریح گردیده است، در مکان‌های مطلوب و نامطلوب همه گونه‌ها و حتی مجتمع‌های داخل یک گونه نیز پیرو الگوی یکسانی نیستند. این شاخص‌ها در تمام گونه‌ها مختص مکان هر گونه می‌باشد و با توجه به ویژگی‌های هر مکان از الویت‌های

مولفه‌های تعاملی افزایش می‌یابد و در نتیجه تعامل کودکان با مکان ارتقا می‌یابد. به عبارت دیگر، کاهش سطح نامطلوبیت در مولفه‌های غیرکالبدی بهبود مولفه‌های تعاملی را در پی دارد. در تمام مکان‌های نامطلوب گونه‌ها، دو رفتار تعاملی «مسئولیت مراقبت» و «امکان ابراز خود» دیده نمی‌شود. همچنین نتایج حاصل از جدول ۸ حاکی از این است که فارغ از شکل پلان؛ در سطح دوم مکان‌های نامطلوب همه گونه‌ها در متغیرهای وابسته قابل سنجش، متغیر مستقل «تعامل اجتماعی»

جدول ۸- تعیین سلسله مراتب میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته در مکان‌های نامطلوب.

گونه	سرمایه‌گذاری زمانی			تکرار استفاده در طی زمان			حفظ اسرار و رازهای مشترک			
	سطح اول	R	سطح دوم	r	سطح اول	r	سطح دوم	R	سطح دوم	
خطی	۱- غیرکالبدی	-	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۶۶۲	۱- غیرکالبدی	-۰,۶۶۲	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۶۹۸	-	
			۲- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۶۲۸	۲- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۶۰۹	۲- غنای مکان	-۰,۶۳۸	-	
	۲- کالبدی	-	۳- غنای مکان	-۰,۵۶۱	۳- غنای مکان	-۰,۶۲۲	۳- ایمنی و آسایش	-۰,۵۹۵	-	
			۴- امنیت	-۰,۵۹۸	۴- امنیت	-۰,۵۷۸	۴- امنیت	-۰,۵۸۸	-	
	۵- ایمنی و آسایش	-	۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۲۷	۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۲۴	۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۷۵	-	
			۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۵۹	۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۳۰	۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۳۴	-	
	محیطی	۱- غیرکالبدی	-	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۶۷۹	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۷۰۲	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۶۳۴	-
				۲- امنیت	-۰,۶۵۵	۲- امنیت	-۰,۶۸۶	۲- غنای مکان	-۰,۶۶۵	-
		۲- کالبدی	-	۳- ایمنی و آسایش	-۰,۶۳۹	۳- ایمنی و آسایش	-۰,۶۴۹	۳- ایمنی و آسایش	-۰,۶۰۰	-
				۴- غنای مکان	-۰,۵۹۵	۴- غنای مکان	-۰,۶۱۲	۴- غنای مکان	-۰,۶۰۴	-
۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی		-	۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۵۶۳	۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۵۷۶	۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۵۹۲	-	
			۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۵۶۳	۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۵۷۱	۵- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۵۷۱	-	
پراکنده	۱- غیرکالبدی	-	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۶۸۸	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۶۷۴	۱- تعامل اجتماعی	-۰,۶۳۵	-	
			۲- غنای مکان	-۰,۶۴۳	۲- غنای مکان	-۰,۶۲۶	۲- غنای مکان	-۰,۶۰۶	-	
	۲- کالبدی	-	۳- امنیت	-۰,۶۲۰	۳- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۵۹۷	۳- ایمنی و آسایش	-۰,۵۷۴	-	
			۴- تناسب با توانایی شناختی- ادراکی	-۰,۶۰۵	۴- امنیت	-۰,۵۶۹	۴- امنیت	-۰,۵۵۴	-	
۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۵۱	۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۰۷	۵- ایمنی و آسایش	-۰,۵۰۷	-				

عینی (کالبدی) در فضای باز مجتمع‌های مسکونی نسبت به مولفه‌های ذهنی (غیرکالبدی) امکان ارتقای تعامل کودک با مکان را بیشتر فراهم می‌آورند که بسته به گونهٔ مجتمع مسکونی این میزان متفاوت است»، این نتیجه بدست آمد که در دو گونه خطی و پراکنده چنین ارتباطی معنا دار نیست، ولی در گونه محیطی این فرضیه تأیید می‌شود.

مختلفی برخوردار هستند و به شکل‌های مختلفی بروز می‌کنند. نتیجهٔ تحلیل نشان می‌دهد که فرضیهٔ اول پژوهش، «مولفه‌های محیطی مشتمل بر دو دسته عینی (کالبدی) و ذهنی (غیرکالبدی) در فضای باز مجتمع‌های مسکونی، امکان ارتقای تعامل کودک با مکان را فراهم می‌آورند»، مورد پذیرش و تأیید قرار می‌گیرد. در آزمون فرضیه دوم پژوهش «مولفه‌های

نتیجه

نهایت، مشارکت کودکان در روند زندگی، به درک چگونگی عملکرد مکان‌های زندگی روزمره وابسته است. نحوه مشارکت اجتماعی کودکان در اساس با رشد شناخت از خود، رشد هویت اجتماعی و حق شهروندی ارتباط مستقیم دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که مولفه‌های عینی (محیط کالبدی) و مولفه‌های ذهنی (محیط روانشناختی) فضای باز مجتمع‌های مسکونی با محقق ساختن پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مکان، متناسب با خواست‌ها و نیازهای کودک و به واسطه کاربرد روزمره توسط کودک باعث ارتقای تعامل میان کودک با مکان می‌شود که متناسب با طراحی مختلف فضاهای مسکونی، الگویی متفاوت به خود می‌گیرد. بنابراین فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی به منزله حیاط خانه، در ارتقای تعاملات کودکان با محیط زندگی روزمره نقش مهمی دارند.

ارتباطی قوی میان پرورش، رشد و مشارکت کودکان با وضعیت مکان زندگی وجود دارد؛ بنابراین کودکان به محیط انسان ساخت منسجم و قابل فهم‌تری نیاز دارند. از آنجایی که فضاهای مسکونی نقش مهمی در زندگی روزمره کودکان ایفا می‌کنند، به توجه بیشتری نیاز دارند. بنابراین نباید با برنامه‌ریزی یا سیاست‌های کلی و تنها به این دلیل که به نظر می‌رسد کودکان می‌توانند با «وضع موجود کنار بیایند» نسبت به نیازهای آنها بی‌اعتنا بود. برنامه‌های مناسب‌سازی محیط زندگی کودکان، نیازمند توجه همزمان به ابعاد «نظری» و «کاربردی» است. با اهمیت دادن بیشتر به ابعاد کاربردی، اهداف و معیارها از وضوح بیشتری برخوردار می‌شوند و ارزیابی و بهبود اعمال نیز ارتقا می‌یابد. حاصل این پژوهش می‌تواند در مقیاس کلان، به تدوین سیاست‌ها و راهبردهای برنامه‌ریزی؛ در مقیاس میانی، به تدوین راهکارهای اجرایی و در مقیاس خرد، به طراحی مبتنی بر نیازهای کودکان کمک نماید و در نهایت، بستر تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی را ارتقا بخشد.

هویت مکانی، سامانه‌ای برای تعریف و ابراز هویت شخصی فرد است. بدین ترتیب هویت مکانی فرد از لحاظ میزان تمایز، پیچیدگی، جزئیات و انسجام به سبب تفاوت‌هایی سنی، شغلی، سطح هوش و قشر و اجتماعی متفاوت است. هویت فضاهای مسکونی، الگوهایی از عقاید آگاهانه و ناآگاهانه احساسات، باورها، ترجیحات، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌های رفتاری و مهارت‌ها است که هویت فرد را به گونهٔ فضای مسکونی مرتبط می‌سازد. واژه‌ی «فضای سکونت» ساختاری ذهنی است که با ویژگی‌های ساکنان (بزرگسالان و کودکان) تغییر می‌کند. مکان‌های مسکونی از فضای عینی و محیط درهم‌تنیده با آن تشکیل می‌شوند که تجربه یا تصور ذهنی فرد از محیط عینی است. داده‌های آماری، اطلاعاتی از محیط عینی ارائه می‌کنند ولی تصورات ذهنی یا تفاسیر محیطی ساکنان (بزرگسالان و کودکان) محیط را به «مکانی» برای زندگی تبدیل می‌سازد. بنابراین بهره‌گیری از تصورات ساکنان (بزرگسالان و کودکان) از فضاهای مسکونی، به اندازه‌گیری و ارزیابی بهتری از تعامل آنها با محیط مسکونی منجر می‌شود.

نحوه‌ی تعامل کودک با مکان، نشان‌دهندهٔ تأثیرپذیری تصویر ذهنی وی از ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی محیط زندگی روزمره وی است. با شناخت خصوصیات کودکان از یک سو و محیط پیرامونشان از سوی دیگر که تعیین‌کنندهٔ نحوهٔ تعامل آنها با محیط است، می‌توان به تصویری قابل قبول از تأثیرات محیطی و مکان زندگی آنها دست یافت. در این پژوهش، جنبه‌ای از اولویت‌های مکانی کودکان برای تعامل در محیط‌های زندگی روزمره جستجو شده است که شامل طیفی از دلایل مرتبط است: اول، کودکان از طریق تعامل با مکان، پایه‌های هویت شخصی خود را بنا می‌کنند. دوم، رشد شخصی و اجتماعی کودکان، از طریق کاربرد آگاهانه و کارآمد محیط محلی (فضاهای مسکونی) محقق می‌شود. در

پی‌نوشت‌ها

7 Creswell.

8 Anthropological.



1 Middle Childhood.

2 Woonerf.

3 Driskell.

4 chawla.

5 GUIC.

6 Canter.

order, *Journal of Children Youth and Environment*, No14, pp99-112.

Canter, David (1977), *The psychology of place*, The Architecture press LTD, Linden.

Chawla, Louise (2002), *Growing Up in an Urbanizing World*, UNESCO Publishing.

Chawla, L. & Heft, H. (2002), Children's competence and the ecology of communities: functional approach to the evaluation of participation, *Journal of Environmental Psychology*, Vol22, 201-216.

Creswell, John W., (2009), *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches*, SAGE publication.

Doll, B. (1996), Children without Friends: implication for practice and policy, *The school psychology Review*, Vol 25, pp 165-183.

Driskell, D. (2002), *Creating Better Cities with Children and Youth*, UNESCO Publishing, management of Social Transformations, Earthscan, London.

Francis, M. (1987), Urban Open Spaces. In E. H. Zube & G. T. Moore (Eds.), *Advances in Environment, Behavior and Design* (Vol. 1), Plenum Press, New York.

Gehl, J. (2006), *Life between Buildings: Using Public Space* (6th ed.), Danish Architectural Press, Copenhagen.

Hart, R. (1979), *Children's Experience of Place*, Irvington Publishers Inc, New York.

Hartrup, W. W. (1991), Having friends, making friends, and keeping friends: Relationships as educational contexts, *Early Report*, 19, pp 1-4.

Hinde, J.s (1976), Interaction, *Relationships and social structure*, Man, Vol 11, pp 1-17.

Jones, Owain (2002), Naturally Not: Childhood, the urban and Romanticism, *Journal of Human Ecology Review*, Vol9 No2; pp17-30.

Moore, R. C. (1986), *Childhood's Domain, Play and Place in Child Development*, MIG Communications, Berkeley.

Muscovitch, A. (1980), *Study if children's perception of the neighborhood*, Canada Mortgage and Housing Corporation, Ottawa.

Patton, M. Q. (2001), *Qualitative Evaluation and Research Methods*, 3rd edition, Sage, Newbury Park, CA.

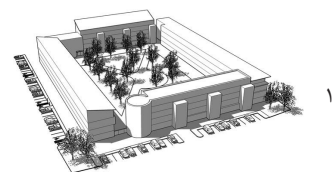
Pressman, Norman (1987), *The European Experience*, In Vernez Moudon, Anne, Public street for public use, Van Nostrand Reinhold company, New York.

Prezza, Miretta & Francesca Romana Alparone & Carmela Cristallo & Secchiano Luigi (2005), Parental perception of social risk and positive potentiality of outdoor autonomy for children, *Journal of Environmental Psychology*; No25, pp437-453.

Stake, R (1980), *The case Method Inquiry in social Inquiry*, In H. Simon (Ed.), *Toward a science of singular*, CARE, Norwich.

Woolley, Helen, Dunn, Jessica, Spencer, Christopher, Short, Tania, & Rowley, Gwyn. (1999), Children describe their experiences of the city center: A qualitative study of the fears and concerns which may limit their full participation, *Landscape Research*, Vol 24(3), pp 287-301.

Zerner, C.J. (1977), The street hearth of play: Children in the city, *Landscape*, Vol 22(1), pp 19-30.



۱۰



۱۱



۱۲

$$n = \frac{N z^2 \hat{O}^2}{N d^2 + z^2 \hat{O}^2}$$

14 Triangulation.

15 Pearson Correlation.

چون هر دو متغیر مستقل و وابسته همان گونه که در جریان تحلیل استراتژی داده‌های مصاحبه و نقشه رفتاری توضیح داده شد، طی یک روند کیفی به داده‌های کمی تبدیل شدند، آزمون همبستگی پیرسون مناسب‌ترین آزمون آماری جهت انجام تشخیص داده شد.

فهرست منابع

عینی فر، علیرضا (۱۳۷۹)، عوامل انسانی-محیطی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۸، صص ۱۰۹-۱۱۸.
عینی فر، علیرضا، ایزدی، عباسعلی، قره‌بگلو، مینو (۱۳۹۱)، گونه‌شناسی روش‌های تحقیقی در مطالعات محیطی کودکان، نامه معماری و شهرسازی، پاییز و زمستان، سال پنجم، شماره ۹، صص ۸۷-۱۰۱.
گروت، لیندا، وانگ، دیوید (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه: علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Abu-Ghazze, Tawfiq (1998), Children's use of the street as playground in ABU-NASEIR, JORDAN, *Journal of Environment and behavior*, 30, pp799-831.

Alexander, C. (1967), The city as a mechanism for sustaining human contact, In W.R. Eward (Ed.), *Environment and man* (pp. 406-434), Indiana University Press, Bloomington.

Björklid, P. (1982), *A Study of Children's Outdoor Activities on Two Housing Estates from the Perspective of Environmental and Developmental Psychology*, Stockholm.

Blinkert, Baldo (2004), Quality of the city for children: chaos and